

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن آلمان

ساغر کرزی

حاجیی گفت به حاجی که ، بیا می نوشیم
خُم خُم و مَن مَن و هم تُن تُن و رَی رَی نوشیم
و عده ما و تو این بود ، که در شهر وفا
مست و مدهوش بگردیم ، و پیایی نوشیم
و عده کهنه فراموش شد و عده نو
جان من ، باز ببندیم و ، بگو کی نوشیم
دَم غنیمت بود ای دوست ، بیا توبه شکن
می پاکیزه ای از ساغر (کرزی) نوشیم
او که با (بوش) وفا کرد و ، جفا با (با با)
اتنی کرده و با ، چنگ و دَف و نی نوشیم
(صیف) (گیلان) ، به (برهان) (مجدد) گفتا
(گُل بی دین) ، بیا ، با سُر و بالی نوشیم
(سیرت) از صورت پر رنگ به نیرنگ آمد
گفت ! ننگست ، اگر خون دل گی نوشیم
زانکه از جام سیاست شده ، مشروب حرام
(کوزه دین) چه شد ، تا ز لب وی نوشیم
عاقبت هر دو شده مست به « نعمت » گفتند
قافیه بشکن و ، با چک چک و هی هی نوشیم